

در ایجا د صنایع و بدایع و رواج علوم شرعیه بنا بر حفظ حقوق انفس مسلمانان
بر این بنده در گناه لازم و واجب بود بنهایت سعی و کوشش بجا آوردم
و واحد بر حق و صمد مطلق که علام الغیوب و داننده اسرار نهانی است گواه است
که گاهی قصدا یا برامون این قسم خیالات نکشته که مخلوق خدا یا بیک
شخصی خاص از من جمله رعایا و برابرا ظلم شده مال وی بغارت رود و یا بنام
نهاد جرم و جریمه بر او جوب و نای حق مال رعایا دو چیز تلف آمده داخل
خزانه شاهی گردد و یا مال مسلمانی باخذ و رشوت لقمه ظالمان گردیده نقصان
پذیرد از جانب من بجمیع اراکین و وزرا و قضات و حکام این سلطنت
خدا داد علانیه همین حکم است که رعایت و فریب و ظلم و رشوت ستانی و بغض
و بی اتفاقی را از سلطنت هذا رفع نمایند و درد ادرسانی مخلوق خدا را از اعلی
تا ادنی برشته مساوات پندارند و تغیر و تبدیل احکام خدا و رسول را بحیل
مبدل سازند الحمد لله که جمیع ما کشتین این دولت خدا داد و حاضرین این
مخجل مسلمان و مهربان اند و هر ما کمل مسلمانان فرض عین است که اطاعت
کلام ربانی و عمل بر اقوال رسول سبحانی نمائیم پر هوید است که خطه
افغانستان ما یان در ایام سابق به سبب بی اتفاقی و نفاق و کم توجهی بجانب
علوم در عالم بخط کمنام و بی اعتبار مشهور و معروف بود که در هیچ دولت نام
این خطه گرفته نمیشد و اگر حاضرین این مخجل چشم خود دیدند که در سالهای
سابق سبب نفاق و بی اتفاقی چه اقسام اقسام مصائب و شداید باین خطه عارض گردید
که از سبب آن نفاق چقدر نقصان هابه نجا و رعایای این سلطنت لاحق گردیدند
و علاوه بر آن چقدر بدنامی این دولت در دول خارجه مشتهر گردید که ضرب المثل
اقوام فرنگستان است که هر کسی بملک افغانستان رود و سر خود را بر این
بملک خود رساند مرد است چنانچه بتفصیل همه خمر ایسها موجب طوالت است
بر شمار صاحبان هوش و کاملان حق نبوش مخفی نیست چنانچه هر امریک
نتیجه دارد نتیجه همان بی اتفاقی و نفاق آن بود که ملک های که از قدیم در تحت
سلطنت و حکمرانی افغانیه بود از قبضه اقتدار سلاطین افغان برآمده بقبضه
سلاطین غیر در آمدند اگر این شجره ملعونه بی ثمر نفاق در ملک هلبلن نشو
و نمایی یافت مخلوق افغانستان در تعداد و جلالت از رعایای دول غیر کم نمی باشند

و نه بخطاب آیه و آفی هدایت با بنی اسرائیل اذ کرد نعمتی التي انعمت علیکم و انی
فضلتکم علی العالمین و از خطاب گنتم خیر امة در باره دیگر قوم و از
گر دیده پس بره و پیدا است که خارج کرد دیدن این چنین بلاد از قبضه اقتدار
افغانستان محض سببش نفاق دولت و بی انفاقی اهالی سلطنت بود. بر ذات خاص
ما ینقدر و اجبت که اگر علم مایه یک مقدمه بیاید که در آن اتلاف حقوق
مسلمانی بعمل آمده باشد و یا مرثیان بد نهاد باخترشا صورت و حیثیت مقدمه
را دیگر گون نموده حق را بیاطل بدل نموده باشند در آن مقدمه کمال
غور نموده در داد رسانی و امتیاز حق از باطل حتی الوسع از جانب ما کوتاهی بعمل
نیاید و نخواهد آمد و نیز مرثیان بدتها دان را هم انشاء الله حتی الوسع بسزای
اعمال شان خواهیم رسانید لیکن مجال عقل است که بنقصان کسلیات و جزئیات
مقدمات این خطه علم ما بیاید همان البته تاوسع بشری هست دریغ نخواهم نمود
که لا یرکف و الله نفاً الا وسعها و در صورت خطا و نسیان خود مخبر صادق
علیه افضل الصلوة بحدیث منیف خود ارشاد فرموده که رفع عن امتی الخطاء
و النسیان در صورت خطا رقبه ما از هوا خنده بری است بلکه علی الدوام دست
افابت به امید اجابت بدر گاه مجیب الدعوات و اهب العطیات بر داشته عسر من
مینحایم ربنا لا توأخذنا ان نسینا او اخطانا بشما اراکین و وزیرای سلطنت حکم
و محکم میفرمایم که اکثر در بیان امری از اعلان لشور شرعی به سبب سهو بشری
از ما قصوری در دشتا بیخوف و خطر و بی نقصان و ضرر را اعلانه کلمه حق را
ادا نمائید و اگر مثلاً انجام قوسن سر کش هوا و هوس حا کمی در ضبط و ضبط
شما در نیاید بر کماهی حقیقت آن بندگان ما را اطلاع بکنائید چونکه
زمام اهتمام لرتق و فتق سلطنت را بشماها و وزیرا و اراکین سپرده ام باید که در امور
اموره خود رعایت و حق پوشی و فریب و رشوت ستانی و بی انفاقی و ظلم را همیشه
نمائید که در صورتی که اعتماد است حکام سلطنت بشما نموده شد پس بفریب شما
بیخ کنی اسلام متصور است و خالق لایزال و قیادر بیعمال در قرآن حمید خود
فرمود است و لا تجادل عن الذین یختمون انفسهم ان الله لا یحب من کان خوفاً
اثیماً و حدیث شریف منیف رسول بر حق است که الا کلمکم راسع و کلمکم
مسئول عن رعیتة و اگر علم ما بخیانت شخصی آمد و در سزای اعمال شرعی و بی

کوتاهی رفت جواب ده آن خود ما بنزد شاهنشاه مطلق خواهیم بود و اگر مثلاً در معاملات که به سبب بشریت در احاطه علم ما نیاید و یک عاملی یا حاکمی ظلمی و جوری بر عایا نمود و شما رعایت نموده چشم پوشی در آن نمودید خود بوقت ندای احشروالذین ظلموا و ازوا جهم جواب ده آن بنزد قاضی عادل که خالق و احد است خواهید بود ما بسبب عدم علم از مواخذة آن بری الذمه خواهیم بود بر همگان هویدا باد که اگر کدام حاکمی یا عاملی این ارا را در باطل را در دل مصمم نماید که بنام بر منفعت پادشاه بیعوجب شرعی و عقلی جریمه ها جمع نموده داخل خزانه می نمایم و خود در آن منفعت ندارم واضح باد که هرگز و یکقلم اراده و خیال مانده قدیم و نه حال بدین منوال بوده و نه هست که بحق کسی بیعوجب شرعی الزام عاید گردیده منفعت مالی از آن عاید حال ما گردد و کافی بالله شهیداً بلکه خیال ما این است که خالق لایزال بفضل و عنایات خود خطه افغانستان را از کمالات و ایجادات صنایع و دولت عالم مالا مال نماید تمنای مادرانسانیت اقوام افغانستان است و توجه او شان بجانب علوم و اوامر رحمن خدا گواه است که تا این حد خیال دارم که اگر شخص مالک ده کرور روپیه در این ملک پیدا شود و نهایت احتیاج بنابر ضرورت مبالغه بیش باشد این اراده هرگز پیرامون خیال نمیگردد که یکروپیه از وی که لاشی المحض است بی حکم شرع گرفته شود بلکه به آبادی این دولت و در ترقی تجارت و زراعت و اشاعت علم و احاطت کمال سرور عاید حال میگردد به شما ارا کین ووز را وعظ مینمایم که شیوة انحاء و موافقت فیما بین خود در امور سرکار پیدا نموده در داری سانی مخلوق الله کوتاهی نه نمائید که حدیث رسول الثقلین که من فرج عن مغموم و اعان مظلوم ما غفر الله له و ثلثاً و سبعین مره و در صورت اختلاف وی اتفاقاً مستداق حدیث شریف بشما یان صادق خواهد آمد که مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم کمثل العبد اذا اشتکی عضو و منه یراعی سایر جسد • بالجمی و السهر و مناسبت که از رفاقت و صحبت ظلمه حذر نمائید که خالق لایزال در قرآن شریف و فرقان حمید خود فرموده است که ولاتر کنوا الی الذین ظلموا اتمسکم النار و به علمای امت رسول مقبول و قضایات سلطنت خدا در دنیا بیعت مینمایم که شیوه صلاح

بنا بر این در برابر آن که گفته از تغییر و تبدل احکام شرعی حذر نمائید که آبادی سلطنت
 در آن منصوصاً نیست و باید که حیل و حیز را به مقابل آیات شریف و احادیث
 ضعیف منفق علیه شرعیه ترک نموده اصلاح حال امت نمایند که خالق لایزال
 موقادر بیمثال فرموده که: **لَا تَأْتُوا الْمَدِیْنَةَ بِالْحَقِّ لَعَلَّكُمْ تُعَذَّبُونَ** بین الناس
بِمَا أَرَادَ اللَّهُ وَلَا تَكُنَّ لِلْمَخْلُقِ تَنْبِیْهِنَّ حَصِیْمًا و هم در این مقام قادر بر حق و پادشاه
 مطلق فرموده است که **یَسْتَحْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا یَسْتَحْفُونَ مِنَ اللَّهِ** و هو معهم اذ یبیتون
مَّا لَا یرحی من القول . **كَانَ اللَّهُ بِمَا یَعْمَلُونَ حَاطِبًا** و لازم است که شما و زرا
 خیر دولت خداداد و خیر اسلام را عین مرعای خدای رسول دانسته در شفاعت اذخا می
 مینمائید عمل بر آیه و آیه و اقی هدایه خداوند در حسن بنمائید که حق تعالی فرموده است
مَنْ یَشْفَعْ لِنَفْسٍ مِنْهُ حَسْمَةٌ یَسْتَأْذِنُ لَهَا نَصِیْبٌ مِمَّا سَلَطَ عَلَیْهَا بَلْ كُنْ لَهُمْ كِفْلٌ مِنْهَا
وَ كَانَ اللَّهُ عَلَی كُلِّ شَیْءٍ حَاطِبًا خیار مانع چنانچه حصول کمالات و ایجا هدایع مستابع
 و اشاعت علوم و اظهار عدل و رفع بعض است پس هر ملازمی که برخلاف مشاء ما
 که موافق آیت و احادیث چنانچه آنرا ذکر نمودیم عمل نمود در سزای اعمال
 وی اگر تاهی نخواهد رفت و قهر خدا که آن بطش دیک شدید است آن جدا
 بوی خواهد رسید فقط و چون که در ابتدای مقدمه وعده نمودم که نتایج
 و تفصیل اسلام مجمل را عرض خواهم نمود احوال عرض میشود که مراد از این
 مواعظ دو امر اند اول اینکه صاحبان عزت از مردمان اهل علم و کمال بغیرت آمده
 به امور بکه از آن مکان و تو اسل و به طرف حسن افعال اسلامیه باشند
 تقرب ورزیده خود را از آن بهره مند نمایند. دوم سبب این تشریح من آنست
 که عوام مسلمانان که در جاه غفلت افتادند از جهل های خود حذر نموده از شبهات
 جاهلیه که در عقول ناقص خود قرار داده اند که هرگز نیک که سوای افعالی
 اسلام دینگر فراق اختیار نمودند و مانند از این کلمات کشش بودند
 از لوازم اسلام است مناسب که این خیالات بیهوده را که خطا محض است
 ترک نمایند زیرا که هر رای نیک که از شخص غیر ملت اسلامیه صادر گردد و آن
 امر موافق و نیک در امور معاش دنیائی باشد مناسب آنست که بر آن اجر من
 کرده آن عمل نیک را خصوصاً که آن عمل در وقتی از اوقات از دست ماها
 اهالیان رفته باشد در آن صورت مناسب آنست که آن عمل حسن را بچنگال نصرف

خود آورده بر آن عمل نمائیم. مثلاً شخص گمراه بیدین عمل نیک داشته باشد و شخصی در آن امر نیک متابعت وی کرده آن عمل نیک را ازان شخص حاصل نماید در دین داری آن شخص در حصول آن امر نیک چیزی از خود نمیبرد چنانچه قول حضرت علی کرم الله وجهه است که نظر نکنید بگفته که گفته است بملکه نظر کنید که چه گفته است یعنی این خیال نکنید که این سخن را که خوب است کافر گفته یا مسلمان بلکه بخوبی سخن نظر نکنید اگر چه کافر گفته باشد الحال چون ملاحظه کرده میشود که اکثر جهال که از علوم دینی خود هرگز خبر ندارند را مورد رسمی را بجهت خود دین و مشرب ترا میدهند از ملازمت پلان و سپاهی نظام و مشق قبایل و نبرد و آنرا امور غیر اسلام می شمارند و افسوس بر این مقام است که علماء خطه خدا داد مهر خاموشی بر دهان زده از مواعظ اخبار و آثار که در باب تقویت شوکت اسلامی دارند کنار گذاشته اختیارات نمودند پس اینواعظ محض بعلماء امت اسلامی دارند که سزاگین فلور و افغانستان اند تصنیف نمودیم که بجهال زیرا که حدیث حضرت رسول الثقلین است که *وبل للجاهل مرة و للعلم سبعین مرة* در صورتی که علماء خاموش باشند جهان را درین زمانه جهل نکافیت و علمهای دیباچه سازا با الصبر و لازمت که داخل این و غیبت باشند *إذا ظهر الفتن فليظهر العالم علمه من كتب علماء الجاهل الله يوم القيمة بلجام من النار* الحال چند آیت شریف و چند اخبار منیف در باب فضیلت و درجه علماء درج مینمایم تا واضح گردد که این خلع شرافت که بعلماء داده شده است مفت نیست خدمتی بخواهد و خدمت مقبوله اوشان و عطا و پند و نصایح بعلماء است تا عوام علماء تعلیم گرفته در شوکت و قوت اسلامیة سعیمها نمایند شواهد آن از قرآن شریف چند آیات مختصر عرض میگرداند اول *شهد الله أنه لا اله الا هو الملكة و اولو العلم قائما بالقسط فانظر كيف برء سبحانه و تعالی بنفسه و وثى بالملكه و انك باهل العلم و ناهيك شرفاً و فضلاً و الثاني بر رفع الله الذين آمنو منكهم و السفارین اوتوا العلم درجات قال ابن عباس رض الله عنه للمعلماء درجات فوق المؤمنین بصلح مائة درجة ما بين الدنيا و جنتین مسيرة خمسمائة عام الثالث قول هل يستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون الرابع انما یخشی الله من عباده العلماء (باقی در آید)*